

دوستی حق و حق پرستان و دشمنی باطل و باطل پرستان آدمی می تواند حیات حقیقی و انسانی خود را حفظ کند.

امام باقر(ع) به زیاد حداء فرمود: هل الدین اَلَا الحَبّ الاترى الى قول الله ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم اولاترون قول الله لمحمد(ص) حَبّ اليكم الايمان و زينته في قلوبكم قال يحبون من هاجر اليهم و قال الدين هو الحَبّ و الحَبّ هو الدين؛^(۱) آیا دین چیزی جز محبت است، آیا نمی بینی که خدای سبحان در قرآن فرمود: اگر خدا را دوست دارید پیامبر را اطاعت و تبعیت کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد و گناهان شما را ببخشد، آیا مشاهده نمی کنید که خدا به پیامبر اکرم(ص) فرمود: خدای سبحان ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل های شما زینت داده است، و فرمود خدا مهاجران را دوست دارد. پس از آیات، فرمود: دین محبت است و محبت دین.

در روایتی از امام صادق(ع) سؤال شد که آیا حَبّ و بغض از ایمان است؟ حضرت در پاسخ فرمود: هل الايمان اَلَا الحَبّ و البغض؛^(۲) ایمان جز حَبّ و بغض چیز دیگری نیست.

ناگفته نماند: اسلامی که ایمان و دین را دوستی و دشمنی می داند حَبّ و بغضی است که محور آن خدا و برای خدا باشد، در واقع این نوع پیوند است که در تعالیم دینی ارزش مند است.

و به عبارت دیگر: براساس آئین اسلام پیوستن و گسستن اگر در چارچوب آموزه های اسلام و برای رضای خدا و به دیگر سخن مکتبی باشد، پیوستن و گسستن است که انسان ها را به یکدیگر پیوند داده و آن چنان آن ها را به یکدیگر مربوط می سازد که هر پیوندی تحت الشماع آن است و گرنه پیوندهایی که تحت تأثیر خویشاوندی و منافع شخصی باشد دچار تزلزل می گردد. از این رو امام صادق(ع) فرمود: ایمان کامل برخاسته از دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا و بخشیدن برای خدا است.

و در حدیث دیگری می خوانیم: «من اوثق عرى الايمان ان تحبّ في الله و



آیه الله جوادی املی

تهیه و تدوین: حجة الاسلام و المسلمین محمدرضا مصطفی پور

طرف اموری مانند غذا و آب نمی رود و در برابر حیوانات درنده مقاومتی نمی کند که نتیجه آن چیزی غیر از نابود شدن نخواهد بود.

به لحاظ اجتماعی نیز انسان با توجه به بهره مندی وی از قوه شهوت و غضب با انسان های دیگر انس و الفت برقرار می کند و در پرتو این انس و الفت با آنان متحد می شود و از نتیجه تلاش آنان برای رفع نیاز خود استفاده می کند و خود نیز به رفع نیاز دیگران می پردازد و در پرتو همین اتحاد است که اگر کسی یا کسانی یا چیزهایی بخواهند آن ها را مورد تهاجم و حمله قرار دهند، به دفاع از خودشان می پردازند.

دین اسلام نیز که برای هدایت انسان در همه اعصار نازل شده و هماهنگ با فطرت و نظام تکوین است به این اصل اساسی عامل بقاء و حیات انسان توجه کرده است از این رو ایمان و دین را جز حَبّ و بغض و دوستی و دشمنی ندانسته است که با

■ مقدمه

نظام آفرینش بر جذب و دفع بنا نهاده شده است، موجودات عالم هستی آن چه که سازگار با آنان باشد، جذب و آن چه که ناسازگار با آنان باشد دفع می کنند. از این رو یکی از قوانین حاکم بر عالم ماده و طبیعت، قانون جاذبه و دافعه است. آدمیان نیز به گونه ای خلق شده اند که حقایق و امور و اشیاء سازگار با خود را جذب و امور ناسازگار با خود را دفع می کنند، خدای سبحان قوه شهوت و غضب را به همین منظور در انسان نهاده است. تا وی با استفاده از آن ها حفظ و بقاء خود را تأمین نماید، قوه شهوت را به انسان داده است تا با جذب چیزهایی که مناسب و سازگار با اوست حیات و بقاء او را تضمین کند و قوه غضب را به وی اعطاء کرده است تا با دفع چیزهایی که ناسازگار با اوست و آسیب و گزند بر او وارد می کند، حیات و بقاء خود را تأمین گرداند و اگر آدمی از این قوا برخوردار نباشد به طور طبیعی به

تبغض فی الله و تعطى فی الله و تمنع فی الله؛^(۳) از محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان آن است که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری و برای خدا بیخشی و برای خدا منع کنی.»

بنابراین حب و بغض برای خدا اساس دین است که آدمی باید آن را تحصیل کند و بالاتر از آن، باید در زندگی خود آن را نشان دهد.

■ تولی و تبری

یکی از تعالیم و حقایقی که اسلام و قرآن ما را به آن فرا خوانده است آموزه تولی و تبری است که انسان مسلمان و مؤمن باید آن را پذیرفته و زندگی دینی و ایمانی خود را بر آن اساس شکل دهد یعنی انسان مؤمن نه تنها باید خدا و پیامبر و اولیاء الهی را دوست داشته باشد بلکه باید آن‌ها را ولی خود قرار دهد و نه تنها باید شیطان و اولیاء شیطان و طاغوت را دشمن بدارد بلکه باید از آنان جدا شود و بین خود و آن‌ها گسست و فاصله ایجاد کند. ما در این گفتار به مطالبی چند پیرامون این دو اصل می‌پردازیم که اولاً حقیقت تولی و تبری چیست؟ نسبت به چه کسانی باید تولی و تبری داشته باشیم؟ چرا باید اهل تولی و تبری باشیم و مسائلی مانند آن.

■ مفهوم و حقیقت تولی و تبری

تولی در لغت به معنای دوستی کردن، ولی قرار دادن و ولایت دادن، کاری را به عهده گرفتن، دوستی و محبت^(۴) و تبری به معنای بیزاری جستن، بیزار شدن، بیزاری^(۵) و اژه تولی گاه بدون حرف (عن) و گاه با آن استعمال می‌شود، در صورتی که بدون حرف (عن) استعمال شود به همان معنای در لغت و فرهنگ یعنی دوست دانستن کسی و پیروی کردن از او و ولی گرفتن وی و یاری رساندن به او ذکر شده و در صورتی که با حرف (عن) به کار رود به معنای روی گرداندن است.

در قرآن کریم در بیشتر موارد به معنای برگشتن و پشت کردن آمده است.^(۶) ولی در آیاتی نیز به معنای اول به کار رفته است از باب مثال در آیه ۵۱ سوره مائده می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا لاتستخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لایهدى القوم الظالمین؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوست و تکیه گاه خود انتخاب نکنید، آن‌ها اولیای یکدیگرند و کسانی که از ما با آنان دوستی کند از آن‌ها هستند، خدای سبحان جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند.»

و در منابع شیعی تولی به معنای دوست داشتن، تصدیق و تبعیت و پذیرش ولایت خدا و پیامبر و ائمه (ع) است. از جمله آیاتی که برای این معنا، به آن استشهاد شده است آیه ۵۵ و ۵۶ سوره مائده است که می‌فرماید: «اتّما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون؛ سرپرست و ولی شما فقط خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آورده‌اند همان‌هایی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند پیروزند زیرا حزب و جمعیت خدا پیروز است.» در تفاسیر، مصداق مؤمنانی که در نماز در حال رکوع زکات می‌دهند، را علی بن ابی طالب (ع) می‌دانند و با استناد به این آیه تنها ولی و سرپرست و رهبری مادی و معنوی انسان و کسی که در امور انسان تصرف می‌کند خدا و پیامبر و علی ابن ابیطالب است و در آیه بعد می‌گوید: کسی که ولایت و سرپرستی خدا و پیامبر (ص) و افراد با ایمان (یعنی ائمه (ع)) را بپذیرد پیروز خواهد بود.

■ مودت اهل بیت، مزد رسالت

به لحاظ این که تولی از آموزه‌های مهم در تعالیم اسلام است پیامبر اکرم آن را مزد رسالت قرار داده و به امر خدا فرموده است: «قل لاسئلكم علیه اجراً الا المودة فی القربی؛^(۷) ای پیامبر بگو: من هیچ اجر و پاداشی بر موضوع رسالت از شما درخواست نمی‌کنم جز این که ذوی القربی مرا دوست بدارید.»

دوستی ذوی القربای پیامبر در واقع همان تولی و قبول ولایت و رهبری ائمه

معصومین (ع) از دودمان پیامبر است که در حقیقت تداوم خط رهبری پیامبر و ادامه ولایت الهی است.

ناگفته نماند: پذیرش محبت و ذوی القربی و ائمه معصومین، در واقع به سود خود انسان است چنان که در سوره سبأ، آیه ۴۷ فرمود: «قل ما سئلتکم من اجر فهو لکم ان اجرى انا علی الله؛ بگو پاداشی را که از شما خواستم تنها به سود شماست، اجر و پاداش من فقط بر خداوند است.» یعنی پیامبر در مقام انجام وظیفه رسالت جز از خدا پاداشی نمی‌خواهد و اگر محبت ائمه را پاداش رسالت خود قرار داده برای آن است که تنها راه رسیدن به سعادت و راهیابی به قرب الهی، محبت به اهل بیت و اعتصام به حبل الهی و توسل به آن هاست چنان که در سوره فرقان، آیه ۵۷ فرمود: «قل ما اسئلكم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ الی ربّه سبیلاً؛ بگو من برای ابلاغ رسالت هیچگونه پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر کسانی که بخواهند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند.» پس راه قرب الهی محبت به اهل بیت است.

تبری نیز از آموزه‌های اعتقادی و رفتاری بوده و به معنای دوری جستن از دشمنان خدا است. این اصطلاح نیز مانند تولی ریشه در قرآن کریم دارد و در آن دارای کاربردهای فراوانی است و به معنای تبری جستن از امامان ضلالت از پیروان خود در قیامت و آرزوی پیروان ایشان برای بازگشت به دنیا برای تبری جستن از آن امامان است در سوره بقره آیه ۱۶۶ و ۱۶۷ می‌فرماید: «...اذ تبرء الذین اتبعوا من الذین اتبعوا و رأوا العذاب و تقطعت بهم الاسباب و قال الذین اتبعوا لو ان لنا کثرة فنتبرأ منهم کما تبرأوا من الذین اتبعوا و ما هم بخارجین من النار؛ در آن هنگام رهبران گمراه و گمراه کننده از پیروان خود بیزاری می‌جویند و کیفر خدا را مشاهده می‌کنند و دستشان از همه جا کوتاه می‌شود و در این هنگام پیروان می‌گویند کاش بار دیگر به دنیا باز می‌گشتیم تا از آن‌ها (پیشوایان گمراه کننده) بیزاری جویم آن چنان که آنان امروز از ما بیزاری جستند (آری) خداوند این چنین اعمال آن‌ها را به



امامان شیعه نیز به مناسبت‌های مختلف تبرّی را از لوازم اسلام و ایمان خوانده و آن را واجب دانسته‌اند و مصادیق مشمول این حکم را کسانی می‌دانند که به عترت پیامبر ظلم کرده‌اند، حرمت ایشان را شکستند، سنت رسول خدا را تغییر دادند، برگزیدگان اصحاب پیامبر را تبعید نمودند، اموال فقرا را بین ثروت‌مندان تقسیم کردند. ناکشین و پیمان شکنان جنگ جمل و قاسطین و معاویه و پیروانش و مارقین که با علی(ع) به مخالفت برخاستند. تمام پیشوایان گمراهی و رهبران ستمگار قاتل حضرت علی(ع) و قاتلان ائمه(ع) و اهل بیت(ع) از کسانی اند که تبرّی از آنان لازم است. زیارت‌هایی که از ائمه معصومین(ع) به جای مانده که شیعیان باید آن‌ها را هنگام زیارت آنان بخوانند سندی است که شیعیان با خواندن آن، برائت خود را نسبت به ظالمان در حق ائمه اظهار می‌دارند.

■ تبرّی از چه؟

در قرآن کریم در سوره‌های مختلف مشخص کرده است که برائت از شرک و بت پرستی و رهبران شرک و گمراهی و معبودهای آنان از مصادیق تبرّی است از جمله در سوره ممتحنه از تبرّی ابراهیم و همگامانش سخن به میان می‌آورد و می‌فرماید: «قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه، اذ قالوا لقمومهم انا برأؤامنکم و ممّا تعبدون من دون اللّٰه کفرنا بکم و بدابیننا و بینکم العداوة و البغضاء حتی تؤمنوا باللّٰه وحده»^(۱۲) برای شما تأسی نیکی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او وجود داشت، هنگامی که به قوم مشرک خود گفتند: ما از شما و آن چه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم. ما نسبت به شما کافریم و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است و این وضع همچنان ادامه دارد تا به خدای یگانه ایمان بیآورید»

با توجه به این که در آغاز سوره از دوستی با دشمنان خدا به شدت نهی کرده است در آیه به معرفی الگو پرداخته که مورد احترام است و آن حضرت ابراهیم است که به قوم مشرک خود فرمود: «مانه شما را قبول

صورت حسرت زایی به آنان نشان می‌دهد و هرگز از آتش دوزخ خارج نخواهند شد.» تبرّی در این آیه به معنای فاصله گرفتن انسان از چیزی است که خوش ندارد با آن باشد و با وزن تفاعل به معنای قبول جدایی و فاصله‌گیری است و چون پیشوایان گمراه و پیروان آن‌ها نسبت به یکدیگر چنین حالتی دارند از هم فاصله می‌گیرند و از هم جدا می‌شوند.

در منابع دینی شیعی این واژه به معنای بیزاری جستن و فاصله گرفتن از طاغوت، باطل، بت‌ها، پیشوایان باطل و گمراه، شرک و بت پرستی، بیزاری از دشمنان اولیاء الهی به کار می‌رود.

چنان که روشن است اصطلاح تبرّی ریشه در قرآن کریم دارد در قرآن کریم علاوه بر این که یک سوره با برائت خدا و پیامبرش از مشرکان آغاز شده و از این رو برائت نام گرفته است در ۳۰ مورد این واژه و مشتقات آن به کار رفته است از جمله آنها تبرّی جستن ابراهیم و پیروانش از قومش^(۸) و آزر^(۹) و از معبودهایشان و اظهار برائت پیامبر اکرم(ص) از مخالفان خود^(۱۰) و گواهی گرفتن هود از خدا و قومش بر برائت از شرک^(۱۱) و برائت یوسف از شرک^(۱۲) و تبرّی لوط^(۱۳) و مانند آن است.

با توجه به تأکید قرآن کریم به تبرّی، فرقه‌ها و مذاهب اسلامی معتقد به تبرّی بوده و اختلافی در مفهوم کلی قرآن و ضرورت و اهمیت آن ندارند ولی در خصوص مصداق دشمنی خدا و نیز معیار خروج از دین اختلافی پیدا کرده‌اند شیعیان اعتقاد دارند که تبرّی از آموزه‌های اساسی این مذهب است آن‌ها اعتقاد به امامت منصوص داشته و معتقدند که امامت با قید منصوص بودن دنباله رسالت و ضامن حفظ و بقای اسلام و دوازده امام پس از پیامبر معصوم و منصوص از جانب خدایند.

بر پایه این اعتقاد، امامان نگهدارنده دین از تحریف و دگرگونی در عقاید و اعمالند، و دشمنان آنان کسانی اند که مانع تحقق امامت و در واقع مانع تحقق صورت ناب و حقیقی اسلام بودند و یا با اهل بیت پیامبر کینه توزی داشته‌اند و این دشمنان در واقع دشمنان خدایند و تبرّی از آنان واجب است.

در همین سوره در مرتبه دوم بر تأسی مسلمانان به ابراهیم و پیروانش و الگوگیری از آن حضرت تکیه می‌کند و می‌فرماید: «لقد کان لکم فیهم اسوة حسنة لمن کان یرجوا اللّٰه و الیوم الآخر و من یتولّ فانّ اللّٰه هو الغنی الحمید»^(۱۴) برای شما مسلمانان در برنامه زندگی آن‌ها اسوه و الگوی نیکویی بود برای آن‌ها که امید به خدا و روز قیامت دارند و هر کس سرپیچی کند و با دشمنان خدا طرح دوستی بریزد به خودش ضرر زده و خداوند نیازی به او ندارد زیرا که خدا از همگان بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است.»

■ شرائط تحقق تولّی و تبرّی

با توجه به این که تولّی یعنی عقیده مندی به امامت و خلافت ائمه اطهار(ع) بعد از پیامبر اکرم(ص) و محبّت به آنان و پیروی از آنان و تبرّی یعنی دشمنی و بیزاری از دشمنان آنان از تکالیفی است که متوجه هر مسلمانی است برای تحقق آن شرائطی لازم است و آن شرائط عبارتند از:

۱- معرفت

تحقق تولّی و تبرّی به معرفت کامل اهل بیت پیامبر و ائمه معصومین و شناخت صفات و احوال آنان و شناخت کافی نسبت به دشمنان و صفات ردیله و عقاید باطل و



اعمال تا میسند آن‌ها بستگی دارد از این رو بر مسلمان لازم است با شناخت فضائل و کمالات امامان و جایگاه آنان در نظام هستی و زندگی اجتماعی انسان نسبت به آن‌ها تولی پیدا کنند و با تحقق تولی در آن‌ها به فلاح و رستگاری نائل شوند و همچنین برای تحقق تبری لازم است دشمنان اهل بیت را بشناسند و از ویژگی‌ها و ردایل آن‌ها آگاهی پیدا کنند که نتیجه آن‌ها انزجار و تنفر و بیزاری جستن از آن‌هاست.

در روایات، معرفت ائمه و اولیاء الهی و محبت به آن‌ها حسنه شمرده شده و شناختن آن‌ها سیئه معرفی شده است. امام باقر(ع) فرمود: ابو عبد الله به امیر المؤمنین(ع) وارد شده امام خطاب به او گفت: حسنه معرفت ولایت و حب اهل بیت و سیئه انکار ولایت و بغض اهل البیت است سپس این آیه را خواند: «من جاء بالحسنة فله خیر منها و هم من فزع یومئذ آمنون و من جاء بالسیئة فکیبت وجوههم فی النار هل تجزون الا ما کنتم تعملون»^(۱۶) و کسانی که کار نیکی انجام دهند. پاداشی بهتر از آن خواهند داشت و آنان از وحشت آن روز در امانند و آن‌ها که اعمال بدی انجام دهند به صورت در آتش افکنده می‌شوند آیا جزایی جز آن چه عمل می‌کردند خواهند داشت.»^(۱۷)

۲- تلازم تولی و تبری

بدون تردید ولایت ائمه با دو شرط سبب نجات است یکی عقیده‌مندی به امامت ائمه و این که آن‌ها جانشینان پیامبر و واجب اطاعت هستند و دوم مشروط است

به تبری و بیزاری از دشمنان و ستمگران به اهل بیت، بنابراین تولی و تبری ملازم هم هستند یعنی تولی و تبری باید با هم باشند و به همین دلیل تولی و پذیرش و ولایت امام شرط دست یافتن به یقین در امر دین خواهد بود. چنان چه امام باقر(ع) تولای ائمه و تبری از دشمنان آنان را از ارکان معرفت خدا که به عبادت حقیقی او منتهی می‌شود، دانسته است.

ابی حمزه می‌گوید: امام باقر(ع) به من فرمود: «انما یعبد الله من يعرف الله فاما من لا يعرف الله فاما یعبد هکذا ضلالاً قلت جعلت فداک فما معرفة الله به قال تصدیق الله عز و جل و تصدیق رسوله(ص) و موالاته علی و الائتتام به وبائمه الهدی و البرائة الی الله عز و جل من عدوهم هکذا يعرف الله عز و جل»^(۱۸) کسی خدا را عبادت می‌کند که او را شناخته باشد و اگر کسی خدا را نشناسد او را گمراهانه عبادت می‌کند. ابی حمزه می‌گوید: از آن حضرت پرسیدم: شناخت و معرفت خدا چیست؟ فرمود: تصدیق و باور به خدا و باور به رسول خدا و ولایت علی(ع) را داشتن و امامت و پیشوایی او و پیشوایان هدایت را پذیرفتن و از دشمنان آن‌ها در نزد خدا بیزاری جستن، حقیقت معرفت خداست.

در روایت دیگری ابو حمزه ثمالی از امام باقر(ع) نقل می‌کند که به او فرمود: ای ابو حمزه عبادت خدا را کسی می‌کند که خدا را بشناسد و اما کسی که خدا را شناخت مثل آن است که او را در حال گمراهی عبادت می‌کند، عرض کردم: معرفت خدا چیست؟ فرمود: خدا و رسول الله را تصدیق کند، به حضرت امیر(ع) و ائمه هدا بعد از آن حضرت اقتدا کند و از دشمنان آن‌ها بیزاری جوید. این است معرفت خدا، عرض کردم، اصلحک الله چه چیزی است که آن را بدانم حقیقت ایمان را کامل کرده‌ام؟ فرمودند: دوست داشتن اولیای خدا، دشمنی با دشمنان خدا و این که با صادقان باشی همچنان که خدا به تو امر کرده، عرض کردم اولیاء و دوستان خدا و دشمنان خدا کیانند؟ فرمود: دوستان خدا، محمد رسول الله(ص) و علی و حسن و حسین(ع) و علی ابن الحسین(ع) هستند سپس امر به ما رسیده سپس پسر جعفر و

اشاره فرمودند به حضرت جعفر(ع) در حالی که آن حضرت نشسته بودند سپس فرمودند: کسی که با آن‌ها دوستی کند پس به تحقیق با اولیاء الله دوستی کرده و چنین شخصی با صادقان باشد آن سان که خدای تعالی به وی امر کرده است. بنابراین باید تولی و تبری با هم در انسان تحقق پیدا کند تا نتیجه بخش باشد.

۳- اقتداء عملی به اولیاء الهی و انزجار عملی از دشمنان

در صورتی تولی و تبری در کمال ایمان و معرفت الهی مؤثر است که آدمی اولیاء الهی و ائمه اهل بیت را الگو و اسوه خود قرار داده و به آن‌ها اقتدا کند و فضائل و کمالات آن‌ها را در خود ایجاد نماید و ردایل دشمنان آن‌ها را بشناسد و از آن‌ها دوری جوید.

از این رو علامت محبت به اهل بیت عمل کردن بر اساس عمل آنان دانسته شده است. امام علی(ع) فرمود: «من احبنا فلیعمل بعملنا و یتجلبب الورع»^(۱۹) کسی که ما را دوست بدارد به عمل ما عمل می‌کند و لباس ورع و پرهیزکاری را بر خود می‌پوشاند.»

امام صادق(ع) خطاب به شیعیانی که بین قبر پیامبر(ص) و منبر آن حضرت بودند فرمود: «اتی والله احب ریاحکم و ارواحکم فاعینونی علی ذلک بورع و اجتهاد»^(۲۰) به خدا قسم من شما را و ارواح شما را دوست دارم و شما با ورع و تلاش مرا بر این محبت کمک کنید» و بدانید که ولایت ما به کسی می‌رسد که ما را با ورع و تلاش کمک کند و کسی که به عیدی اقتدا کند باید به عمل او اقتدا نماید علاوه بر عمل و تلاش باید به دوستان آن‌ها محبت ورزید و از دشمنان آن‌ها تبری جست.

■ آثار محبت اهل بیت

۱- اطمینان و آرامش قلب

امام علی(ع) فرمود: هنگامی که آیه «الابدکر الله تطمئن القلوب»^(۲۱) نازل شد پیامبر اکرم(ص) فرمود: این مربوط به کسانی است که خدا و رسولش را دوست داشته باشد. «و احب اهل بیتی صادقاً غیر کاذب و احب المؤمنین شهاداً و غائباً الا بذکر الله

یتحابون» (۳۲) کسی که اهل بیت مرا صادقانه و بدون دروغ دوست داشته باشد و مؤمنان را در حضور و غیاب دوست داشته باشد. آگاه باشید با یاد خدا همدیگر را دوست دارند.

۲- حکمت

امام صادق (ع) فرمود: «من احبنا اهل البيت و حق حینا فی قلبه جرت ینایع الحکمة علی لسانه و جدد الایمان فی قلبه» (۳۳) کسی که اهل بیت ما را دوست داشته باشد و محبت ما در قلب او تثبیت شود چشمه‌های حکمت بر زبانش جاری می‌شود و ایمان در قلبش تازه می‌گردد.»

۳- استكمال دین

پیامبر خدا (ص) فرمود: «حب اهل بیتی و ذریتی استكمال الدین» (۳۴) محبت به اهل بیت و ذریه من سبب کامل شدن دین است.»

۴- امنیت در قیامت

پیامبر خدا فرمود: «من احبنا اهل البيت حشره الله تعالی اماناً یوم القیامة» (۳۵) کسی که ما اهل بیت را دوست داشته باشد خدای سبحان او را در روز قیامت با امان محشور فرماید.»

و بالاخره محبت اهل بیت آثار فراوانی چون خلاصی از گناهان، نور و روشنایی روز قیامت، ثبات و پایداری بر صراط و نجات از جهنم و ورود به بهشت و محشور شدن با ائمه و خیر دنیا و آخرت، به دنبال دارد. از این جهت لازم است مؤمنان تلاش کنند تا محبت اهل بیت را در خود محقق ساخته و در عمل به آن‌ها اقتدا کنند و آن‌ها را الگوی خود قرار دهند و در کنار آن از دشمنان آنها تبری جویند و یکی از راه‌های ابراز تولی و تبری خواندن زیارت‌ها و توجه به متن آن‌ها به ویژه زیارت جامعه کبیره است.

■ فلسفه تولی و تبری

باتوجه به این که تولی پذیرش ولایت و سرپرستی و امامت و رهبری ائمه معصومین (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) است و تبری بیزاری جستن از دشمنان آنها، و با توجه به این که تولی و تبری بالاتر از شهوت و غضبی است که در حیوان است و بالاتر از محبت و عداوت و ارادت و کراهت است که از ویژگی‌های اولیاء حق و مؤمنان

است که با آن دوستی و دشمنی را روح می‌دهد و باطن محبت را به انسان می‌چشانند روشن می‌شود که تولی و تبری دارای فلسفه و حکمت مهمی است و آن‌ها عبارتند از:

۱- تکامل معنوی

از آن جایی که هر جنسی به جنس تمایل دارد و از غیر جنس خود گریزان، انسانی که تولی اولیاء الهی و تبری دشمنان آن‌ها را با عمق جان بدست آورد خود را به ویژگی‌های مثبت اولیاء الهی می‌آراید و از زشتی دشمنان آنها دوری می‌کند و در قیامت نیز با اولیاء الهی محشور می‌شود از این رو پیامبر فرمود: «المرء مع من احب» (۳۶) انسان با محبوب خویش همراه است و با او محشور می‌شود و این همراهی در عمل به همراهی با آن‌ها در رفتار منتهی خواهد شد.

۲- انسجام اجتماعی و مصونیت از آسیب دشمنان

انسانی که دارای تولی و تبری است از سویی با انسان‌هایی که دارای این ویژگی هستند متحد شده و در پرتو اتحاد، انسجام اجتماعی ایجاد شده که نتیجه آن پیروزی است و از سویی با تبری به دشمنان حق نزدیک نشده و آن‌ها را به اسرار خود راه نمی‌دهد و در نتیجه بیگانگی با دشمن را حفظ و به صورت بیگانه با او برخورد می‌کند که پی آمد آن مصونیت از آفات و آسیب‌های دشمنان است از این رو قرآن کریم می‌گوید: اولاً کفار را اولیاء اتخاذ نکنید و ثانیاً آن‌ها را بطانته و آگاه به اسرار خود قرار ندهید و ثالثاً بدانید کسی که با آنها دوستی کند از آن‌ها خواهد بود. پس دوری از آن‌ها ضروری است قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولهم منکم فانه منهم ان الله لایهدی القوم الظالمین» (۳۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید یهود و نصاری را ولی و دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید آن‌ها اولیاء یکدیگرند و کسانی که از شما با آن‌ها دوستی کنند از آن‌ها هستند، خدای سبحان جمعیت ستمکار را دوست ندارد.»

و نیز فرمود: «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا بطانته من دونکم لایألوکم خیالاً

و دوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر قد بینا لکم الآیات ان کنتم تعقلون» (۳۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، محرم اسرار از غیر خود انتخاب نکنید، آن‌ها از هرگونه شر و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند، آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید، نشانه‌های دشمنی آنان از دهان و کلامشان آشکار شده و آن چه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند از آن مهم‌تر است. ما آیات و راه‌های پیشگیری از شر آنها را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید.»

■ نتیجه‌گیری

یکی از وظائف مؤمنان حقیقی تولی و تبری است که با معرفت اولیاء الهی و دشمنان آنان حاصل می‌شود و با پیروی از آنان در آدمی تثبیت می‌شود و در نتیجه انسان به کمال رسیده و به نعمت الهی دست می‌یابد و از نظر اجتماعی به اتحاد و همبستگی رسیده و از خطرها و آفات آن‌ها مصون می‌ماند و به سوی ترقی و تکامل معنوی و مادی دست می‌یابد.



پی‌نوشت‌ها:

۱. تفسیر نورالتقین، ج ۵ ص ۳۴-۸۳.
۲. همان، ص ۸۳.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۵.
۴. فرهنگ معین، ص ۱۱۷۰.
۵. فرهنگ معین، ص ۱۰۲۲.
۶. راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۵۳۴.
۷. سوره شوری، آیه ۲۳.
۸. سوره ممتحنه، آیه ۴.
۹. سوره توبه، آیه ۱۱۴.
۱۰. سوره یونس، آیه ۴۱.
۱۱. سوره هود، آیه ۵۴.
۱۲. سوره یوسف، آیه ۳۷-۳۸.
۱۳. سوره شعراء، آیه ۱۶۸-۱۶۹.
۱۴. سوره ممتحنه، آیه ۴.
۱۵. همان، آیه ۶.
۱۶. سوره نمل، آیه ۹۲-۹۱.
۱۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۵.
۱۸. همان، ج ۱، ص ۱۸۰.
۱۹. غررالحکم، ص ۸۳-۸۴.
۲۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۲.
۲۱. سوره رعد، آیه ۲۸.
۲۲. کنزالمقال، ج ۲، ص ۴۴۲.
۲۳. محاسن، ج ۱، ص ۱۴۱.
۲۴. امالی صدوق، ج ۱، ص ۱۶۱.
۲۵. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۸.
۲۶. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۳.
۲۷. سوره مائده، آیه ۵۰.
۲۸. سوره آل عمران، آیه ۱۱۸.